فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

حامیان دولت در انتخابات ۹۶ حالا نسبت به حسن روحانی ۳ وضعیت متفاوت دارند

جریان شناسی پروژه عبور از روحانی

حانیه موحدین
روزنامه‌نگار

اگرچه ظریف می‌گوید هدف از برجام اصلا اقتصادی نبود، ولی حسن روحانی در سال ۹۲ ایده مرکزی دولتش را بر اقتصاد سوار کرد و سفره مردم را به چرخ سانتریفیوژ گره زد. روحانی که چهار سال دولت تدبیر و امید را با همین ایده به سرمنزل رسانده بود، به هر ترتیب توانست در سال ۹۶ نیز همچون روسای جمهور پیشین، برای دومین بار ردای ریاست‌جمهوری را به تن کند. از دیرباز سیاسیون دولت‌های دوم هر رئیس‌جمهوری را پایان زنگ انشا می‌خوانند و به این ترتیب حالا زنگ حساب دولت روحانی نیز فرارسیده است؛ زنگ حسابی که خیلی به مذاق حامیان و رفقای انتخاباتی دولت خوش نمی‌آید. به‌خصوص اینکه این روزها بی‌رنگی حنای ایده مرکزی دولت هم عیان شده و دیگر هیاهوهای تبلیغی انتخابات هم جواب نمی‌دهد. از این رو قافیه بر حامیان سابق و لاحق دولت تنگ شده و برای کوک کردن سازشان با دولت به فالش‌خوانی افتاده‌اند. البته همه حامیان و شرکای دولت را نمی‌توان با یک چشم دید؛ گروهی از حامیان دولت را اعتدال و توسعه‌ای‌ها و گروهی دیگر را کارگزارانی‌ها تشکیل می‌دهند. گروهی هم حامیان تَکراری و به‌اصطلاح اصلاح‌طلبان دوم خردادی هستند که این گروه نیز طیفی مختلف‌النظر از مجمع روحانیون مبارز تا حزب اتحاد ملت را نمایندگی می‌کنند. در حال حاضر هر یک از این گروه حامیان، به تبع منافع و نگاه به آینده فاصله خود را با دولت تنظیم کرده‌اند؛ تنظیماتی که برای بخشی حمایت تام و تمام از دولت و برای طیفی دیگر حمایت نقادانه را در دستور کار قرار داده و برای عده‌ای نیز نسخه عبور از دولت را تجویز کرده است.

حمایت تام و تمام

اعتدال و توسعه را می‌توان سردمدار حمایت تام و تمام از دولت خواند. آنها که تا پیش از انتخابات ۹۲، در سپهر سیاسی کشور به‌عنوان یک حزب سیاسی، اثرگذاری چندانی نداشتند، حالا با پیروزی عضو موسس‌شان یعنی حسن روحانی در دو انتخابات ریاست‌جمهوری به صرافت افتاده‌اند تا جایگاه حزبی خود را ارتقا دهند. اگر تا پیش از انتخابات ۹۶ نیاز به سبد رای دیگر طیف‌های اصلاح‌طلب، داعیه استقلال را از آنها گرفته بود، حالا الک انتخابات ریاست‌جمهوری آویخته شده و روحانی برای دومین بار از پل انتخابات با پیروزی عبور کرده، از این رو دیگر نیازی به عدم عرض اندام حزبی نمی‌بینند. ناگفته پیداست که پررنگ شدن نقش محمود واعظی در دولت دوم روحانی، مهر تاییدی بر این دیدگاه است. محمد باقر نوبخت، دبیرکل اعتدال و توسعه هم که از ابتدا یار غار رئیس دولت تدبیر و امید بود و حفظش بر کرسی ریاست سازمان برنامه و بودجه به‌رغم تمامی انتقادات، نشان داد که امین دولت است و خدشه به جایگاهش ناممکن. در همین راستاست که اصلاح‌طلبان - چه از نوع کارگزاران و چه دوم‌خردادی‌ها- تحرکات نزدیکان معتدل روحانی را زیر ذره‌بین گرفته‌اند و به بیان‌های نرم و رادیکال سعی دارند از چرخش روحانی به سمت حزب متبوعش جلوگیری کنند.

البته بخش اندکی از کارگزاران نیز به دلیل سهم عیان در دولت، در طیف حامیان تام دولت به شمار می‌آیند. آنها معتقدند جهانگیری پوششی روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری را مردم یادشان هست. اگرچه در برخی مواقع کارنامه دولت چنان پراشتباه شده که آقای معاون اول کارگزارانی هم تمامی اختیاراتش را به فراموشی می‌سپارد و تأکید می‌کند حتی اختیار تغییر یک منشی را هم ندارم!

حمایت نقادانه

حامیان نقاد دولت روحانی را می‌توان پرشمارترین گروه حامیان امروز دولت دانست. اگرچه همین منتقدان نیز آتش نقدشان متفاوت است. این دست اصلاح‌طلبان معتقدند چه بخواهند و چه نخواهند دولت روحانی، دولت اصلاحات است و کارنامه‌اش هم کارنامه اصلاحات، از این رو چه در سال ۹۲ و ۹۶ اشتباه کرده‌اند و چه به اهداف خود رسیده باشند، دولت روحانی آش کشکی است که به پای آنها نوشته شده است. این طیف این مرحله را خط پایان بازی با افکار عمومی می‌بینند و تاکید دارند که یک روز نمی‌شود کلید دندانه‌های دولت روحانی بود و روز دیگر هرگونه شراکت را منکر شد. از این رو برای اینکه سبد رایشان بیش از پیش نریزد، مسیر انتقاد از دولت را در پیش گرفتند تا بلکه آبرومندانه‌تر از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

از این رو بهزاد نبوی، ابایی ندارد که بگوید برخی اصلاح‌طلبان از تندروهای جناح رقیب در حمله به دولت جلوتر افتاده‌اند تا بتوانند رای مردم و افکار عمومی را به سمت خود جلب کنند، در حالی که این کار بسیار خطا و اشتباه است. نبوی معتقد است دوستان اصلاح‌طلبش تصور می‌کنند اگر در این شرایط لبه تیز حملات‌شان را متوجه دولت کنند، می‌توانند خرج‌شان را از آقای روحانی و دولت جدا کنند و در افکار عمومی تصویر مثبتی از خودشان برای انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری آینده نشان دهند. در حالی که به اعتقاد من این اشتباه است و اعتماد مردم را نسبت به اصلاح‌طلب‌ها بیشتر سلب می‌کند، از این رو بر حمایت نقادانه از دولت تاکید دارد.

در همین راستا علی تاجرنیا، فعال سیاسی اصلاح‌طلب تاکید دارد که برخی اصلاح‌طلبان خیلی راحت سرمایه اجتماعی اصلاحات را هزینه دولت کرده‌اند، از این رو اشاره می‌کند که حمایت در عرصه سیاسی یک‌سری حقوق و تکلیف متقابل می‌آورد و آنها نباید چشم و گوش‌بسته از دولت حمایت کنند.

عبدالله ناصری، عضو شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات هم بر راهبرد حمایت همراه با نقد از دولت تاکید دارد و می‌گوید خالی کردن پشت دولت در آینده به زیان اصلاحات بوده و منجر به بی‌اعتمادی مردم خواهد شد، زیرا مردم با خود خواهند گفت اگر از گزینه اصلاحات حمایت کنیم، این جریان در ادامه راه از حمایت از دولت سر باز خواهد زد.

عباس عبدی، هم به قول خودش شخصا معتقد است باید نقدشان از دولت را مطرح کنند. البته گاهی این آتش نقد چنان تند می‌شود که تنها شبحی از حمایت را باقی می‌گذارد. بیانیه حزب کارگزاران و سرگشته خواندن دولت و تعبیر مردان بزم برای دولتمردان، نمونه‌هایی از این نقدهای دوآتشه است.

عبور از روحانی

حامیان رادیکال روحانی، اما عملکرد دولت را چونان بن‌بستی می‌بینند که راه پس و پیش را از آنها گرفته است، بنابراین عبور از روحانی را تنها راه خلاصی از این بن‌بست می‌دانند. از این رو امثال محمد رضا تاجیک، تئوریسین و مشاور رئیس دولت اصلاحات، خود را میراثخوار بی‌موهبت دولت روحانی می‌خوانند و حتی حمایت‌های انتخاباتی دیروزشان را هم نفی می‌کنند. سعید حجاریان، دیگر تئوریسین اصلاحات هم که در تازه‌ترین اظهارنظر خود آتش عبورش از دولت چنان تند شده که از اساس انتخابات را نفی کرده و تصریح کرده رویه‌شان مصداق گدایی از قدرت است؛ «اصلاحات صدقه‌بگیر نیست و اگر مکنت دارد، باید با اتکا بر آن به بازار سیاست برود. اگر پول بازار سیاست را نداشتیم، باید تلاش کنیم آن را کسب کنیم، نه آنکه به هر جنس بُنجلی تن دهیم.»

بخشی از کارگزاران نیز گهگاه عرصه را برای عبور از دولت می‌سنجند. کارگزارانی‌های این قسم البته عبورشان از دولت با سرعت کمی است. در همین راستا غلامحسین کرباسچی، دبیرکل کارگزاران اگرچه در برخی موارد انتقادات تندشان را هم نقد سازنده می‌خواند، ولی تاکید دارد که روحانی می‌تواند به‌عنوان یک قهرمان کنار برود! سعید لیلاز، عضو شورای مرکزی این حزب نیز چندی پیش تصریح کرده بود اگر اختیارات روحانی را چوب داشت، کاری کرده بود! از این رو اینان سعی دارند القا کنند اگر از گزینه اصلاح‌طلبی در انتخابات حمایت کرده بودند، آسمان اوضاع مردم رنگ دیگری داشت.

با اختلاف تا ۱۴۰۰

حداقل دو طیف از حامیان ذکرشده، بر ناکارآمدی دولت اجماع دارند. نگاهی به حامیان دولت از طیف تام تا عبوری‌هایشان نشان می‌دهد که آسمان‌شان تا ۱۴۰۰ همین رنگ است. ابر اختلاف از شکافی فعال در میان‌شان خبر می‌دهد؛ شکافی که هر روز بیشتر شده و با انتخابات مجلس نیز تکلیفش بیش از پیش عیان خواهد شد، چراکه مرور زمان منافذ سبد رای این گروه‌ها را نیز بازتر خواهد کرد و ریزش رای را نیز بیشتر. از این رو سردرگمی و پریشان‌گویی برای حفظ رای نیز بیشتر خواهد شد.

در میان این سه گروه حامی دولت، اعتدال و توسعه و کارگزاران که از دیرباز رقیب هستند و اصلا همین رقابت بود که از حامیان و نزدیکان آن روز هاشمی‌رفسنجانی دو حزب متفاوت ساخت، هریک از آنها داعیه گفتمان اعتدال دارند و رقیب را بدلی می‌خوانند. از این رو ناگفته جدال‌شان در دولت پیداست. بیانیه حزب کارگزاران و انتقادات تند و تیزش به دولت و در مقابل پاسخ اعتدال و توسعه مبنی‌بر اینکه این نقدها ناجوانمردانه و به دلیل سلب مسئولیت از نتایج تصمیمات دولت است، شاهد مثالی بر این اختلاف است؛ بیانیه‌های متقابلی که به وسیله آن، این دو گروه حسابی از خجالت هم درآمدند. اظهارات محمود علیزاده، عضو شورای مرکزی کارگزاران خطاب به اعتدال و توسعه‌ای‌ها، هم شاهدی دیگر بر این اختلاف؛ علیزاده به صراحت سبد رای اعتدال و توسعه را کمتر از آرای باطله خواند.

اصلاح‌طلبان دوم خردادی هم که می‌گویند به جبر تندروی‌های سال‌های اخیرشان به رحم اجاره‌ای معتدلین متوسل شدند. از این رو نه اعتدال و توسعه را عددی در میدان سیاست می‌دانند و نه حاضرند عرصه را برای کارگزارانی‌ها باز کنند.

توصیف تحقیرآمیز چندی پیش شکوری‌راد، دبیرکل اتحاد ملت از اعتدال و توسعه و اینکه تا پیش از انتخابات نمی‌دانسته حزبی با این عنوان وجود دارد، به خوبی رویکرد این حزب نسبت به اعتدالیون را عیان می‌کند. رقابت دیرینه اتحادملتی‌ها با کارگزاران هم که در شورای شهر و تن ندادن‌شان به شهرداری محسن هاشمی اظهر من‌الشمس شد.

جوابیه

پیرو انتشار مطلبی در مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۹ در روزنامه «فرهیختگان» با عنوان «شرکت‌هایی که بودجه دولتی می‌گیرند، اما زیان می‌دهند» مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه توضیحاتی را ارائه کرده که در ادامه منتشر می شود .

بر اساس لایحه بودجه ۱۳۹۸
شرکت‌های دولتی ۱۷ هزار میلیارد تومان اعتبار دریافت می کنند و در مقابل ۲۹ هزار میلیارد تومان به دولت می‌پردازند

روزنامه فرهیختگان در شماره ۲۶۶۹ خود مطلبی درخصوص بودجه شرکت‌های دولتی منتشر کرده که عمدتا، تکرار قسمت‌هایی از مطالب مندرج در خبرگزاری مهر است و فاقد تحلیل و بررسی بودجه‌ای است. با این وجود موارد زیر در پاسخ ارائه می‌شود:

۱. سازمان برنامه و بودجه هرساله بودجه کل کشور را در قالب یک مجلد و چهار پیوست (از جمله پیوست شماره سه تحت عنوان بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت) تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌نماید و طی دو ماه‌ونیم زمان مورد بررسی مجلس، کارشناسان سازمان در کمیسیون‌های مختلف پاسخگوی سوالات و ابهامات نمایندگان محترم و کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هستند. طرح این موضوع که بودجه شرکت‌ها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، موضوعی است که باید از سوی دستگاه‌های نظارتی ذی‌ربط پاسخ داده شود.

۲. تعداد ۶۵ شرکت دولتی از منابع عمومی اعتبارات کمک‌زیان دریافت می کنند که عمدتا شامل ۲۵ شرکت آب‌منطقه‌ای استانی، ۳۱ شرکت آب و فاضلاب استانی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان هدفمندی یارانه‌ها، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان است. برای ۶۵ شرکت مذکور معادل ۲۹۵۰ میلیارد تومان اعتبار منظور شده که سهم آن از کل بودجه شرکت‌های دولتی معادل ۰/۲۳ درصد است و سهم سازمان صدا و سیما با رقم ۱۸۴۰ میلیارد تومان معادل ۶۲ درصد از کل این اعتبار پیش‌بینی شده است. بررسی اجمالی شرکت‌های موصوف نشان می‌دهد این شرکت‌ها سودآور نیستند و برخی از آنها (نظیر سازمان حمایت و سازمان هدفمندی) حتی درآمدزا نیستند و برای انجام وظایف و تکالیف قانونی خود نیازمند دریافت اعتبار از منابع عمومی هستند.

۳. به‌منظور انجام مقایسه معنادار بودجه شرکت‌های دولتی با بودجه عمومی، می‌بایست میزان پرداخت‌های دولت به شرکت‌های دولتی و دریافت‌های دولت از شرکت‌های دولتی را مقایسه کرد. بر این اساس در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ دولت مجموعا ۱۷/۰۱۲ میلیارد تومان اعتبار به شرکت‌های دولتی پرداخت می کند که شامل ۲۹۵۰ میلیارد تومان بابت کمک‌زیان و ۱۴/۰۶۲ میلیارد تومان بابت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است؛ در مقابل شرکت‌های دولتی در قالب هفت ردیف درآمدی مندرج در جدول شماره (۵) لایحه بودجه، جمعا ۲۹/۷۳۷ میلیارد تومان بابت مالیات، سود سهام، نیم‌درصد درآمد مشمول مالیات بانک‌ها و یک درصد از یک‌دوازدهم هزینه شرکت‌های دولتی به دولت پرداخت می کنند، لذا خالص دریافتی دولت از شرکت‌های دولتی معادل ۱۲/۷۲۵ میلیارد تومان است که در قالب درآمدهای عمومی منظور می‌شود. به‌علاوه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای پرداختی دولت به شرکت‌های دولتی (۱۴/۰۶۲ میلیارد تومان) صرف سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی تحت مدیریت شرکت شده و با احتساب اعتباراتی که شرکت‌های دولتی برای سرمایه‌گذاری هزینه می کنند، کل اعتبار سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی بالغ بر ۱۵۷/۸۳۲ میلیارد تومان است که کل اعتبارات تملک دارایی های سرمایه‌ای دولت برابر ۶۲/۰۱۹ میلیارد تومان می‌باشد. به عبارت دیگر، میزان سرمایه گذاری شرکت‌های دولتی از محل بودجه خود حدود ۲/۵ برابر سرمایه‌گذاری از محل بودجه عمومی است.

۴. در زمان تهیه و تنظیم لایحه بودجه سنواتی برآورد مبالغ در برخی از ردیف‌ها امکان‌پذیر نیست. همچنین درج ارقام غیرواقعی در بخش منابع موجب افزایش غیرواقعی منابع دولت می‌شود و در بخش هزینه‌ای نیز پیش‌بینی مبالغ غیرواقعی موجب بسته شدن سقف و عدم امکان تخصیص اعتبارات لازم برای آن خواهد شد. به بیان دیگر، در صورت تحقق منابع، مصارف به همان میزان و منظور تعیین‌شده از محل اعتبارات ردیف مشخص پیش‌بینی‌شده انجام خواهد شد و این موارد همگی ردیف‌های درآمد - هزینه‌ای یا جمعی - خرجی هستند. ردیف‌های درآمدی که شرکت‌های دولتی به منابع عمومی کشور تزریق می کنند، کاملا شفاف و روشن است برای هیچ‌یک از آنها رقم ۱ درج نشده است.

۵. سازمان از زمان تشکیل جلسات ستاد بودجه از اواسط مردادماه سال جاری، از نمایندگان دستگاه‌های نظارتی نظیر دیوان محاسبات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس و حتی برخی نمایندگان مجلس دعوت به عمل آورده است، لذا لایحه تقدیمی به مجلس ضمن تعامل با دستگاه‌های نظارتی تنظیم شده است. در ارتباط با بودجه شرکت‌های دولتی نیز جلسات ویژه‌ای با کارشناسان دیوان محاسبات کشور برگزار شد و چالش‌های موجود مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نتیجه تعاملات فی‌مابین به شرح زیر است که در لایحه تجلی یافته است:

- ارائه جدول شماره ۵ خلاصه کل منابع و مصارف شرکت‌های دولتی برحسب گروه‌های اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پیوست شماره سه لایحه بودجه
- طبقه‌بندی شرکت‌ها برحسب امورهای ده‌گانه (GFS)
- درج برنامه - فعالیت شرکت‌های دولتی در پیوست شماره سه لایحه بودجه
- درج نام شرکت‌هایی که از سوی دیوان به‌عنوان متولی قانون محاسبات عمومی کشور به‌عنوان شرکت دولتی شناسایی شده بود. البته سازمان نیز فهرستی از شرکت‌هایی که گمان می‌رفت دولتی بوده باشند نیز به دیوان محاسبات کشوره ارائه نموده است.
- شرکت‌هایی که در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ در جداول (۷) و (۹) از محل بودجه عمومی کمک دریافت می کردند، در پیوست سه به‌عنوان شرکت‌های زیان‌ده نمایش داده شده‌اند.
- در اجرای بند «ن» تبصره (۱۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور اطلاعات مربوط بودجه تلفیقی سازمان‌های مناطق آزاد تجاری - صنعتی در انتهای پیوست شماره سه لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ درج شده است.
- درخصوص ممنوعیت کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در صورت افزایش درآمدها نیز ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تکالیف تبصره‌ای (نظیر بند «ز» تبصره ۱۶) که در سنوات اخیر برای شرکت‌های دولتی منظور شده است، تحقق چنین پیشنهادی را غیرممکن می‌سازد. اثرات اجرای چنین تبصره‌هایی به تفصیل در جلسه مشترک با نمایندگان محترم دیوان محاسبات کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل

خبر

رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی حجت‌الاسلام دکتر سیدسعیدرضا عاملی را به عضویت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی منصوب کردند. سعیدرضا عاملی عصر روز سه‌شنبه به اتفاق آرای اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان دبیر این شورا برگزیده شده بود و طبق قانون برای تصدی این سمت باید به عضویت حقیقی این شورا هم منصوب می‌شد. پیش از سعیدرضا عاملی، محمدرضا مخبر دزفولی این مسئولیت را برعهده داشت. همچنین شب گذشته رئیس‌جمهور حکم وی را به عنوان دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر کرد.

درنگ

قهرکنان در پاستور

محمد جعفری
روزنامه‌نگار

استعفای وزیر بهداشت در یکی دو روز گذشته سر و صدای زیادی به پا کرده و حسابی در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفته است؛ استعفایی که چند روز پیش الیاس حضرتی، نماینده مردم تهران در مجلس برای اولین بار از آن رونمایی کرد و گفت که قاضی‌زاده هاشمی در اعتراض به کاهش بودجه سلامت، استعفا داده و چند روزی است در جلسات هیات‌دولت شرکت نمی کند. حضرتی ریشه این موضوع را اختلاف وزارت بهداشت با سازمان برنامه و بودجه دانسته و حتی گفته بود دولت به دنبال یک سرپرست برای وزارت بهداشت و درمان است. این موضوع البته همان روز از سوی سبحانی‌فر، سخنگوی حزب اعتدال و توسعه تکذیب شد و او سرما خوردگی را عامل غیبت وزیر بهداشت در جلسات اخیر هیات دولت عنوان کرده بود. اما ماه عسل چیزی نیست که به این سادگی‌ها پشت ابر بماند و خبر استعفا آنقدر پیچید که تلاش برای انکار آن ثمر خاصی نداشت.

بر این اساس حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با تایید خبر استعفا، رفتن قاضی‌زاده از دولت آن هم در شرایط کنونی را به صلاح ندانست و به «فرهیختگان» گفت: «هیچ فردی بعد از وزیر مستعفی نخواهد توانست در فرصت باقیمانده تا پایان کار دولت پروژه‌های سنگین این وزارتخانه را به پیش ببرد.»

او در مناقشه شکل گرفته جانب وزارتخانه را گرفت و گفت که اساسا لازم است سازمان برنامه و بودجه دیدگاه نامناسب خود را نسبت به حوزه سلامت اصلاح کنند. در این میان علی نوبخت، برادر رئیس سازمان برنامه و بودجه تندترین موضع را گرفت و مدعی شد که اساسا استعفای وزیر بهداشت نوعی فرار به جلو است. او حتی از کلید خوردن استیضاح قاضی‌زاده هاشمی خبر داد و گفت ۳۵ نماینده برگه استیضاح وزیر بهداشت را امضا کردند، لذا قاضی‌زاده به همین خاطر ترجیح داده پیش‌دستی کرده و از دولت برود.

به گفته نوبخت، بودجه وزارت بهداشت از لحاظ کارشناسی مناسب تعیین شده و اگر این وزارتخانه در زمینه مصرف بودجه، قانون را رعایت می کرد، کار به اینجا نمی کشید، کما اینکه به گفته او، بودجه وزارت بهداشت نسبت به سال گذشته حداقل ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده و حتی می‌توان یک‌سوم این مبلغ را صرفه‌جویی کرد. اما در شرایطی که خبرها قهر و فرار به جلوی وزیر مستعفی را روایت می کرد، قاضی‌زاده خود از دلایل رفتنش سخن گفت و توضیح داد که علت اصلی رفتنش عدم تخصیص منابع لازم برای پرداخت پاداش بازنشستگان به‌رغم همه پیگیری‌ها بوده است. این صحبت‌ها البته بی‌پاسخ نماند و روز گذشته رئیس سازمان برنامه و بودجه در واکنش به موضوع عدم تخصیص بودجه مناسب به طرح تحول سلامت گفت: «می‌خواهید سازمان برنامه و بودجه را هم مثل بیمه سلامت که از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گرفتید، ببرید به وزارت بهداشت و درمان! بنده هم می‌توانم در جمع بازنشستگان شرکت کنم و بگویم پول به شما داده نشده و با دستمالی گوشه چشم‌هایم را هم پاک بکنم!»

نوبخت که گویا گوی سبقت در صراحت بیان را از برادرش هم ربوده، تاکید کرد که قرار نیست هرکس هر جور که کسالت دارد، مساله خود را حل کند و یادآور شد بسیاری از دلسوزان از همان ابتدا نگران بودند این گونه که ما پیش می‌رویم، در میانه راه کم می‌آوریم.

اشاره نوبخت احتمالا به گشاده‌دستی‌ای است که دولت در مواجهه با طرح تحول سلامت به خرج داد؛ اتفاقی که انگار کاملا خلاف رویه دولت بوده و آن‌طور که رئیس سازمان برنامه و بودجه می‌گوید، استثنائا و برای آنکه به آقای وزیر استرسی وارد نشود، در آغاز هر سال میزان اعتبار لازم را از خود او جویا شده و پرداخت اعتبار تعیین‌شده را نیز متعهد می‌شوند. نوبخت در پایان تصریح کرد این گونه نیست که گفته شود به من فلان مقدار پول دهید تا فلان کار را انجام دهم؛ اعتبارات موجود باید مدیریت شوند.

دست آخر واعظی نیز به میدان آمد و جوری که نه سیخ بسوزد و نه کباب، هم جانب نوبخت را گرفت و گفت به‌دلیل جنگ اقتصادی و تحریم سازمان برنامه و بودجه با محدودیت مواجه است و هم قاضی‌زاده را سرمایه دولت خواند و گفت رئیس‌جمهور او را وزیر لایقی می‌داند و مقاومت کرده که از دولت نرود و تا حد امکان مشکل حل شود. هر چه هست، حالا یک گزاره از همه جدی‌تر به نظر می‌رسد. شکست طرح تحول سلامت به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور آن، حالا جناب وزیر را هم این جمع‌بندی رسانده که زورش به ادامه کار نمی‌رسد و این وزارتخانه دیگر جای ماندن نیست، اما اینکه در شرایط کنونی که به واسطه تحریم و وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور و در حالی که هیچ‌یک از دستگاه‌ها به لحاظ اعتبارات حال و روز خوشی ندارند، اساسا جا خالی دادن و استعفا چه موضوعیتی دارد، سوالی است که وزیر بهداشت هنوز به آن پاسخی نداده است.